

سنجش تاثیر سرمایه انسانی کارآفرین بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط با نقش تعدیلگری شبکه کارآفرینانه

فاطمه مانا زارعی^{۱*}، علیرضا فروتن^۲

۱- کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی گرایش فناوری اطلاعات دانشگاه تهران، f_zarei@alumni.ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی گرایش بین الملل دانشگاه تهران، alirezaforoutan@alumni.ut.ac.ir

چکیده

هدف از اجرای تحقیق حاضر، بررسی رابطه سرمایه انسانی کارآفرین بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط با نقش تعدیلگری شبکه کارآفرینانه می باشد. پس از مروری جامع بر ادبیات موضوعی مربوط به سرمایه انسانی، عملکرد و شبکه کارآفرینانه و با استفاده از ابزار پرسشنامه تهیه شده از ادبیات تحقیق و نتایج حاصله به تبیین اثرات متغیرهای پنج گانه سرمایه انسانی (رهبری کارآفرینانه، تجربه کارآفرینانه، مهارت کارآفرینانه، خلاقیت کارآفرینانه، انگیزش کارآفرینانه) بر عملکرد کسب و کارهای جامعه آماری پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که سرمایه انسانی بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط اثر مثبت داشته است. مستند به یافته های مذکور تایید شده است که متغیرهای مستقل رهبری کارآفرینانه، خلاقیت کارآفرینانه و تجربه کارآفرینانه بر عملکرد شرکت ها اثرات مثبت داشته اند. اما متغیرهای مستقل انگیزه کارآفرینانه و مهارت کارآفرینانه بر عملکرد کسب و کارها تاثیر معنی داری نداشته اند و همچنین متغیر تعدیلگر شبکه کارآفرینانه بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط صنایع غذایی استان تهران تاثیر منفی داشته است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه انسانی، عملکرد، شبکه کارآفرینانه، کسب و کار کوچک و متوسط .

۱- مقدمه

افزایش سهم سرمایه انسانی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته موجب پیدایش مفهوم اقتصاد دانشی شده است. سرمایه انسانی تنها نهاده ای است که می تواند ضمن تغییر خود، سایر نهاده های تولید را تغییر دهد یا تعدیل کند، مبنایی برای نوآوری فراهم سازد و در سطح وسیع به رشد اقتصادی بینجامد. در نتیجه در سطح کلان منافع اجتماعی حاصل از انباشت سرمایه انسانی در دراز مدت بر رشد اقتصادی تاثیر می گذارد و رفاه و آرامش جامعه را بهبود می بخشد.

در سطح داخلی، کسب و کارهای کوچک، از نظر تعداد، بیش از ۹۴ درصد تعداد کسب و کارها را تشکیل می دهند [۱] که در محیط کسب و کار امروز سرمایه های انسانی دارایی های حیاتی برای بهبود عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط محسوب می شوند [۲]. کسب و کارهای کوچک و متوسط در مقایسه با کسب و کارهای بزرگتر نرخ شکست بالاتری تجربه می نمایند [۳]. چنان که امیری و همکاران (۲۰۰۹) بیان نموده اند، دو سوم از کارآفرینان در همان مراحل مقدماتی آغاز به فعالیت شکست می خورند [۴]. در سطح بین المللی نیز نتایج مشابهی وجود دارد. به طور کلی تا سال سوم فعالیت، ۶۶ درصد از کسب و کارها با شکست مواجه می گردند [۵]. ۹۲٪ از شکست های کسب و کارهای کوچک و متوسط به دلیل کمبود مهارت های مدیریتی (به عنوان یکی از مولفه های سرمایه های انسانی) و عدم اجرای مناسب این تکنیک ها بوده است، در